



فصلی از
آخرین رمان اکو

- با نودولینو، چهارمین رمان اکو / رضا علیزاده
- فصلی از رمان با نودولینو / اومبرتو اکو / رضا علیزاده

UMBERTO ECO Baudolino



13 Cassettes

Narrated by George Guidall

بائودولینو، چهارمین، و اینک ماقبل آخرین رمان او میرتو اگو است و بستر آن، همانند غالب رمان‌های او، وقایع واقعی قرون وسطی. به این ترتیب رمانی که خواننده فصلی از آن را در اینجا می‌خواند، آگنده از اشارات تاریخی و افسانه‌های آن دوره تاریخی است. بائودولینو قهرمان رمان که کتاب نام او را بر خود دارد، پسرکی است روستایی و بالفطره دروغ‌گو که کار و بارش رؤیا بافتن و باوراندن آن به دیگران است، چنان‌که تمام عمر خود او و اطرافیانش صرف یافتن قلمرو کشیشی به نام یوحنا می‌شود.

زمان وقایع داستان مقارن است با جنگ‌های سوم صلیبی از یک سو و از سوی دیگر تاخت و تاز ترکان قراختایی در شرق ایران و رو به ضعف گذاشتن سلجوقیان و خوارزمشاهیان. ظاهراً پیش از آن‌که این اقوام نوآمده در فرهنگ ایرانی و اسلامی جذب شوند، تسامح سنتی مردمان دشت را داشته‌اند. در واقع هنگامی که مسیحیان اروپا جسته و گریخته از شکست‌های سلجوقیان و خوارزمشاهیان باخبر می‌شوند، تصور می‌کنند که دولت مسیحی بزرگی در آسیا ظهور کرده است. افسانه پرستر جان [کشیش یوحنا] که به قول دایرةالمعارف مصاحب «بر قلمرو پهناور و ثروتمندی در آسیا و آفریقا سلطنت داشت» از افسانه‌های بسیار رایج آن دوره تاریخی بوده است و اجازه فعالیت و افزایش تبلیغات مسیحیان نسطوری در ایران و آسیای میانه در نتیجه استیلای

قراختیایان، پدید آمدن چنین افسانه‌هایی را به خوبی توجیه می‌کند. و اما جنگ‌های صلیبی، که به بهانه آزاد کردن تربت عیسی (ع) از دست مسلمانان آغاز گشت و تنها نتیجه آن سست شدن بنیان امپراطوری روم شرقی یا بیزانس بود، عاقبت چنان که در رمان می‌خوانیم قسطنطنیه مسیحی را به دست سپاهیان بربر مسیحی و شهرهای تازه به دوران رسیده و آزمند ایتالیا به غارت کشاند. چه بسیار آثار تاریخی که در این غارت نابود گشت و چه کتابخانه‌هایی که به یغما رفت. می‌گویند از نمایشنامه‌های سوفوکلس و اورپید که تا آن هنگام تمام و کمال حفظ شده بود، پس از این تاراج‌ها و آتش سوزی‌ها فقط معدودی به جا ماند.

حضور شخصیت‌های واقعی و تاریخی در این اثر بسیار پررنگ است. مراجعه‌ای سردستی به کتاب‌های تاریخی، وسعت استفاده‌اکو را از منابع این دوره به خوبی نشان می‌دهد. برای مثال آنجا که گیبون از زبان نیسه تاس [نیکتاس] در اثرش به نام تاراج قسطنطنیه شرح تعرض به عبادت‌گاه‌ها را می‌نویسد، موضوع را تا اندازه‌ای روشن می‌کند:

«جام‌ها [ی مقدس] را در عوض پیاله برای نوشیدن به کار می‌بردند... در کلیسای اعظم ایاصوفیه (ساتنا سوفیا) پرده عریض و طویل جایگاه قدس را به خاطر حاشیه زرین آن دریدند و مصطبه محراب‌گاه را که اثری هنری و آراسته به ذخائر گران‌بها بود شکستند و قطعه قطعه کردند... فاحشه‌ای را بر کرسی بطریق اعظم نشانند، و این زن که او را دختر ابلیس ملقب کرده‌اند، در کلیسا آواز خواند و رقصید...»^۱

ولی مرز تاریخ (history) و داستان (story) آشفته است و همیشه تردیدی هست که کجا تاریخ است و کجا داستان و رمان از این لحاظ به کتاب‌های تاریخ همان دوره شباهتی تام دارد و در مجموع این پرسش را به وجود می‌آورد که آیا تاریخ یک دوران را می‌توان از اسطوره‌هایش جدا کرد؟ این نوعی بازی اکویی است که وقتی داستانی را درباره یک داستان می‌خوانیم، خود آن داستان حاوی لایه‌های دیگری از داستان است. می‌دانیم که قرار است روایت راوی دروغگو را از جایی باور نکیم، اما گذاشتن نشانه برای مرز باورناپذیری ما را به دردسر می‌اندازد. برای مثال وقتی بائودولینو با راهبی یونانی در مورد حیوانی عجیب و غریب به نام متاگالیناری حرف می‌زند، نمی‌دانیم آیا این حیوان را خود اکو ابداع کرده است یا راهب یا بائودولینوی دروغگو؟ آیا این موجود در قرون وسطی باورپذیر محسوب می‌شده است؟

اکو با خواننده‌اش شوخی می‌کند، ولی فقط کسی که متخصص واقعی اسطوره‌ها و

شمایل نگاری‌های قرون وسطی است، می‌تواند چگونگی این شوخی را درک کند.
ترجمه کامل این رمان از سوی انتشارات روزنه در دست انتشار است.

پانویس:

۱. انحطاط و سقوط امپراتوری روم (متن تلخیص شده). ادوارد گیبون، جلد سوم، ترجمه فرنگیس شادمان، ص

۱۲۴۳.



Umberto ECCO



Baudolino

Roman

Grasset